

وزنه‌برداری

بهداد سلیمی قهرمان جهان نشد

بهداد سلیمی به مدال نقره جهان بسندند کرد. در آخرین روز مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان، وزنه‌داران دسته فوق سنگین روی تخته آمدند تا قهرمان این وزن نیز مشخص شود. مهم‌ترین اتفاق در رقابت‌های فوق‌سنگین، بازگشت مجدد بهداد سلیمی پس از یک سال غیبت به صحنه جهانی بود. در سال گذشته و در غیاب سلیمی عنوان قوی‌ترین مرد جهان به روسلان آلبگوف روس رسید اما بهداد برای پس گرفتن این عنوان قدم به تخته مسابقات گذاشته بود، هرچند در انتها موفق به انجام این کار نشد.

■ **حرکت یک ضرب**

همانطور که انتظار می‌رفت رقابت اصلی در این وزن میان بهداد سلیمی، روسلان البگوف و آلکسی لووچف از روسیه بود. سلیمی برای نخستین حرکت پشت وزنه ۲۰۶ کیلوگرم قرار گرفت که آن را بالای سر برد. ۲ حرکت دوم البگوف با موفقیت پشت سر بگذراند. در حرکت دوم البگوف ۲۰۵ کیلوگرم را بالای سر برد اما لووچف باز هم ۲۰۵ کیلوگرم را انداخت. لووچف سومین وزنه را هم انداخت اما البگوف وزنه ۲۱۰ را بالای سر برد تا کار سلیمی سخت شود. سلیمی وزنه ۲۱۱ را دو بار بالای سر نبرد و نقره گرفت.

■ **حرکت دوضرب**

زمانی که البگوف در نخستین حرکت ۲۴۵ کیلوگرم را بالای سر برد، یک کیلوگرم وزنه درخواستی برای سلیمی افزایش داده شد. او با ۲۴۶ کیلوگرم کارش را دوضرب آغاز کرد که در مهار آن موفق بود. در حالی که البگوف در دومین حرکت ۲۵۲ کیلوگرم را درخواست داده بود، سلیمی پشت وزنه ۲۵۱ کیلوگرم قرار گرفت که نتوانست آن را بالای سر ببرد. او در آخرین حرکت باید وزنه ۲۵۷ کیلوگرم را مهار می‌کرد که موفق عمل نکرد. او در دو ضرب مدال برنز را کسب کرد.الکسی لووچف دیگر وزنه‌دار روس با مهار وزنه ۲۵۷ کیلوگرم مدال طلاي دوضرب را بعدست آورد و البگوف نیز با ۲۵۲ کیلوگرم به مدال نقره رسید. به این ترتیب سلیمی با مجموع ۴۵۷ کیلوگرم نایب قهرمان جهان شد.

گزارش

رقابت میان بابرین مونیخ و دور تموند

یک رابطه دو طرفه

رقابت بین بابرین مونیخ و دورتموند در سال‌های اخیر فوتبال آلمان را در سطح ملی به قله افتخارات رسانده است. پیروزی ۲ بر یک مونیخی‌ها مقابل دورتموند اما سبب بحرانی‌تر شدن اوضاع این تیم در جدول رده‌بندی بوندس لیگا شد، با این حال همه دست‌اندرکاران فوتبال آلمان در آرزوی ادامه‌دار بودن چنین رقابتی هستند. فیلم و فوتبال دو پدیده بزرگ سرگرم‌کننده عموم مردم هستند که از اواسط قرن بیستم میلادی تأثیرگذار بوده‌اند. این دو صنعت سرگرمی تنها در یک نکته متفاوت هستند که آن غیرقابل پیش‌بینی بودن است. در غیر این صورت این دو نکات مشترک و مشابه وجود دارند و شاید به همین تیم فوتبال بابرین مونیخ (FC Bayern München) به FC Hollywood نیز شهره شده است اما مهم‌ترین وجه اشتراک این دو نکته‌ها درخشش ستارگان آن، بلکه قدرت تاریخ و داستانی است که آنها توصیف می‌کنند. همانند هر فیلم جذابی فوتبال هم برای جذابیت به قهرمانی درخشان و حریفی خطرناک نیاز دارد و دورتموند تنها رقیب قابل‌تصور برای بابرین مونیخ در هر فصلی می‌تواند باشد و با وجود اینکه در این فصل چنین رقابتی با توجه به بحران دورتموند کم‌رنگ شده است اما نمی‌تواند منکر آن شود. بابرین مونیخ به حریفی همانند دورتموند نیاز دارد، چون این حریف به آنها چنین احساسی را می‌دهد که از هر دیداری نمی‌توان بردهای روتین و آسانی را توقع داشت و برای بردن چنین حریفی نیاز به واکنشی خاص و غیرمعمول است، چون دورتموند همان میزان و معیاری است که بابرین مونیخ در ۵ سال گذشته همواره با آن سنجیده شده و به خاطر آن رشد کرده و به پتانسیل فعلی خود رسیده است. در فینال ۲۰۱۳ ویمبلی، مونیخی‌ها نشان دادند چگونه می‌توان تیم تهاجمی دورتموند را با عملکردی منطقی مهار و بر آنها غلبه کرد، فینال DFB Pokal فصل گذشته نیز به نبردی کاملا تاکتیکی و شطرنج‌گونه بین یورگن کلوپ و پپ گواردیولا تبدیل شد که گواردیولا برای اولین بار با استفاده از یک دفاع زنجیره ۳ نفره موفق به مات کردن رقیب خود شد. بابرین مونیخ برای پیروزی در دیدار هفته گذشته مقابل دورتموند نیاز به هر دو عامل تاکتیک و مهار انرژی تهاجمی حریف داشت و پپ گواردیولا با برنامه و طرحی منطقی موفق به شکست دوباره یورگن کلوپ شد. شاید بتوان این بازی را آینده‌ای از رقابت ۵ سال گذشته این دو تیم دانست. بی‌تردید تاکنون تیمی همانند دورتموند در تاریخ بوندس لیگا وجود نداشته است که با توجه به قابلیت‌ها، داشته‌هایش و نحوه روزیاری با تیمی همچون بابرین مونیخ در رده‌های انتهایی جدول رده‌بندی این رقابت‌ها قرار گرفته باشد. شاید برای کسانی که اوضاع و شرایط کنونی دورتموند را بحرانی می‌دانند، بهتر باشد به ۱۰ سال پیش بنگرند تا بحران واقعی دورتموند در درک کنند به زمانی که دورتموند به خاطر مشکلات فراوان اقتصادی در معرض خطر انحلال بود. پشت سر گذاشتن چنین شرایط بحرانی و دشواری طرف مدت تنها چند سال توسط دورتموند و تبدیل شدن به قدرتی بزرگ در فوتبال اروپا بیشتر شبیه به معجزه می‌ماند. آنها در بوندس لیگا خود را در یک رقابت به هم‌پهین‌ترین قطب و نقش مخالف بابرین مونیخ تبدیل کردند که فوتبال آلمان را در سطح ملی به بهترین تیم جهان تبدیل کرده است.

تحلیلی بر سرخ‌آبی‌ها یک هفته قبل از داری

استقلال بازیکن محور است



تکس استیج

مصدومیت در مقاطع مختلف در اختیار نداشت و این بهترین فرصت برای میدان دادن به جوانان بود که در عمل چنین اتفاقی رخ نداد و اگر هم افتاد بسیار کم و قابل چشم‌پوشی بوده است. امیر قلعه‌نویی پس از ناکامی فصل قبل خود در استقلال پر وارد بازار نقل و انتقالات شد و با خرید مهره‌های شاخصی چون امید ابراهیمی، کرار جاسم محمد و مهدی کریمی‌ان به عقیده خیلی‌ها برنده بازار نقل و انتقالات لقب گرفت. با وجود این خریدهای بزرگ، قلعه‌نویی غفلت بزرگی مرتکب شد و از اضافه کردن مهره‌های جوان و باکیفیت به تیم غافل شد. روزهایی که استقلال تحت هدایت قلعه‌نویی، در ترکیب خود طالب‌الوی جوان را به جای برومند کارکشته و محبوب هواداران می‌دید چندان دور نیست و تیم همان تیم است و سرمربی هم همان سرمربی اما تفکراتی که قلعه‌نویی آن دوران داشت کمی دست‌خوش تغییر شده و شاید خود وی نیز اینک عقیده دارد که کاش مسیر فصل‌های قبل را ادامه می‌داد و با میدان دادن به جوانان پرتاغیزه تیمی پرنشاط‌تر از این به میدان می‌فرستاد. جدا شدن چند بازیکن جوان از تیم استقلال به دلیل عدم فرصت حضور در میدان گواهی است بر این ادعا که استقلال فصل جاری از لحاظ جوانگرایی شرایط مطلوبی را دارا نیست. جانشین کردنی بازیکنان جوان به جای ستاره‌های مصدوم یا نامآاده امری ناآشنا برای استقلال این فصل است که کاملا می‌توان آثار آن را در نحوه بازی و نتیجه‌گیری این تیم دخالت داد. نیم‌فصل دوم چالش‌سی جدید پیش روی امیر قلعه‌نویی و استقلال خواهد بود و باید دید گرایش به جوانان و بازیکنان آینده‌دار در این تیم بار دیگر از سر گرفته خواهد شد یا خیر. استقلال که در مقاطع مختلف همیشه چهره‌های سرشناسی را از تیم‌های پایه خود به فوتبال ایران معرفی کرده، این فصل نیز انتظار می‌رود در ادامه کار با اعتماد بیشتر به بازیکنان جوان قدرت خود را بازیافته و به روند ناکامی‌های خود خاتمه بخشد.

■ **کلید گمشده استقلال در این فصل**
استقلال تهران در آستانه داریسی از لحاظ نتیجه‌گیری در شرایط مناسبی قرار ندارد و چند هفته‌ای می‌شود که خبری از برد در بازی‌های آبی‌پوشان نیست. شکست مقابل نفت تهران در هفت ششم، آغاز ناکامی‌های دنباله‌دار استقلال در این فصل بود که کماکان نیز ادامه دارد. آنها از هفته هشتم تا دهم، ۳ شکست متوالی را متحمل شدند و در هفت بازی از ۲۱ امتیاز ممکن تنها موفق به کسب ۶ امتیاز شدند. این افت وحشتناک در ناکامی استقلال در هفته‌های اخیر، عدم توجه کافی به بازیکنان جوان در فصل جاری می‌تواند یک دلیل ویژه و قابل بحث باشد. استقلال در این فصل چند تن از مهره‌های اصلی خود را به علت

■ ■ ■

۲ **نقطه ضعف اساسی پرسپولیس در زمینه فنی**

خط حمله‌ای بی‌رملق



تازه‌وارد سرخپوشان بود که این بازیکن نیز با عملکرد خود نشان داد هنوز مشکل این بخش از خط دفاعی پرسپولیس بر سرس جای خود باقی است. جعفرپور اگرچه برعکس دیگر همتای خود در زمان حمله و ارسال‌ها به مراتب بهتر عمل می‌کرد اما در امور دفاعی مانند محمدرضا خازنده نبود و در صحنه گل دوم تیم حریف نیز با جا ماندن و دور خوردن از بازیکن سرعتی گسترش، یکی از مقصران اصلی گل تساوی تیریزی‌ها بود. با توجه به همین مساله باید دید آیا کادر فنی پرسپولیس در نیم‌فصل دوم باز هم سراغ خریدن یک مدافع راست خواهند رفت یا تا انتهای فصل با همین دو مدافع نامکمل خود به کار ادامه خواهند داد.

■ **خط حمله‌ای بی‌رملق**
هدای نوروزی را می‌توان جزو آن دسته از بازیکنان پرسپولیس به حساب آورد که به‌رغم همه تلاشی که برای خوب بازی کردن انجام می‌دهد اما هیچگاه محبوب هواداران این تیم نبوده است. نوروزی چند سال پیش به‌عنوان یک مهاجم به پرسپولیس آمد و در یک برهه از زمان هم تقریباً خیلی خوب برای این تیم گلزنی کرد اما با توجه به اینکه هیچگاه یک مهاجم کامل نبود، جای خود را در این پست از دست داد و رفته رفته تبدیل به یک وینگر یا مهاجم کناری شد که همین امر موجب کاهش یافتن کارآیی و البته نیمکت‌نشینی او به مرور

در نتایج استقلال سهم بزرگی داشته و از ستون‌های این تیم محسوب می‌شود. آبی‌پوشان معلوم نیست با او چه خواهند کرد و از گوشه و کنار شنیده می‌شود استقلال‌ها تمایلی به ادامه کار با او ندارند و احتمالا وی در نیم‌فصل به تیمی دیگر فروخته می‌شود. با رفتن کرار از استقلال، این تیم با مشکل جدی در میانه میدان روبرو می‌شود گویی خلأ یک بازیساز در تیم قلعه‌نویی مشکلی است لاینحل! قلعه‌نویی همواره از یک بازیساز در تیم‌هایش بهره برده است و در سال‌هایی که از وجود چنین بازیکنی بی‌بهره بود، موفق نبوده است. آخرین مثال این مساله سال گذشته استقلال است که جمشیدیان همیشه مصدوم و سیواش اکبرپور نتوانستند حتی ذره‌ای خلأ جباری را جبران کنند. استقلال در حالی آماده داری می‌شود که ۶ ملی‌پوش این تیم در کنار قلعه‌نویی نیستند و سرمربی استقلال عملاً تا زمان برگشت آنها نمی‌تواند کار تاکتیکی خاصی انجام دهد، شاید او هم به‌خوبی دریافته که در صورت ناکامی در داری، وعده قهرمانی‌اش را ابتدای فصل کمی رنگ می‌بازد، چه آنکه تراکتورسازی با حضور بازیکنان سرریز، هر روز قوی‌تر می‌شود و البته دست‌نیافتنی‌تر!

■ **کلید گمشده استقلال در این فصل**
استقلال تهران در آستانه داریسی از لحاظ نتیجه‌گیری در شرایط مناسبی قرار ندارد و چند هفته‌ای می‌شود که خبری از برد در بازی‌های آبی‌پوشان نیست. شکست مقابل نفت تهران در هفت ششم، آغاز ناکامی‌های دنباله‌دار استقلال در این فصل بود که کماکان نیز ادامه دارد. آنها از هفته هشتم تا دهم، ۳ شکست متوالی را متحمل شدند و در هفت بازی از ۲۱ امتیاز ممکن تنها موفق به کسب ۶ امتیاز شدند. این افت وحشتناک در ناکامی استقلال در هفته‌های اخیر، عدم توجه کافی به بازیکنان جوان در فصل جاری می‌تواند یک دلیل ویژه و قابل بحث باشد. استقلال در این فصل چند تن از مهره‌های اصلی خود را به علت

یادداشت

بعد از گذشت یک‌سوم از زمان فصل

۴ واقعیت شگفت آور بوندس لیگا

امین‌الطبعی:۱-تعقیب‌کنندگان جدیدبابرین مونیخ دورتموند با توجه به شروعی ضعیف در رقابت‌های این فصل بوندس لیگا، خیلی زود از رقابت با بابرین مونیخ فاصله گرفت. به همین دلیل نقش دورتموند به عنوان جدی‌ترین تعقیب‌کننده بابرین مونیخ را در ایسن فصل تیم‌های دیگری عهدمدار شده‌اند. وولفسبورگ که در حال حاضر مهم‌ترین رقیب مونیخی‌ها به حساب می‌آید موفق به کسب ۶ پیروزی متوالی شده است، آخرین شکست شاگردان دیتر هکتینگ در ۲۴ سپتامبر و در بازی مقابل هرتابرلین به دست آمده است. گرگ‌ها در این فصل از تیمی هماهنگ و تهاجمی برخوردارند که نحوه بازی آنها برای بسیاری از هواداران، یادآور قهرمانی ایسن تیم در فصل ۰۹-۰۸ است؛ فصلی که وولفسبورگ با درخشش ادین ژکو و گرافیتزه در خط حمله و میزموویچ در خط میانی به طور تعجب‌برانگیزی قهرمان بوندس لیگا شد. نقش ژکو را در این فصل کوین ده بروین برعهده گرفته است. این بازیکن بلژیکی در حال سپری کردن فصل فوق‌العاده‌ای است، وی موفق به زدن یک گل و ارسال ۹ پاس گل شده و در لیگ‌های بزرگ اروپایی تنها عملکرد او با اسسک فابرگاس در چلسی قابل مقایسه است و در بوندس لیگا تنها دیدگوی برزیلی ۸ سال قبل در وردربرمن قبل از هفته یازدهم به چنین آماری دست یافته بود. مونتشن‌گلادباخ با سرمربیگری لوسین فاروه سویسی دومین تعقیب‌کننده بابرین مونیخ در صدر جدول محسوب می‌شود. این تیم فوتبالی سرعتی و موثر را به نمایش می‌گذارد و در لیگ اروپا نیز نماینده خوبی برای بوندس لیگا بوده است. لوسین فاروه با حضور ماکس کروزه، آندر هسان، و پاتریک هرمان از مثلث تهاجمی قابلی در این فصل برخوردار است به طوری که ایسن ۳ بازیکن در پایان هفته یازدهم در مجموع ۱۱ گل نیز برای تیم خود به ثمر رسانده‌اند. جز بابرین مونیخ شاید نتوان هیچ‌یک از این دو تیم را مدعی اصلی فتح بوندس لیگا دانست، در حال حاضر وولفسبورگ با ۴ امتیاز اختلاف در رده دوم بوندس لیگا قرار دارد و مونتشن‌گلادباخ نیز با قبول شکست مقابل دورتموند به اختلاف ۷ امتیازی با بابرین مونیخ رسیده است. با این وجود این دو تیم اثری خوب از خود بر جای گذاشته‌اند و با وجود بحران دورتموند، رقابت بر سر قهرمانی در بوندس لیگا راهیجان‌انگیز کرده‌اند.

۲-هانوفر تأثیرگذارترین تیم بوندس لیگا با به ثمر رساندن تنها ۹ گل در ۱۱ بازی در تیمی در خطر سقوط به دسته پایین‌تر قرار می‌گیرد اما برای هانوفر چنین موضوعی مطرح نیست چون این تیم با زدن این تعداد گل موفق به جمع‌آوری ۱۹ امتیاز شده و رده چهارم جدول رده‌بندی را با تفاضل گل منفی ۲ از آن خود کرده است.شاگردان تافیون کروت، سرمربی ترک‌تبار هانوفر، در این ۱۱ هفته، ۶ برد کسب کرده‌اند که ۵ برد آن بدون گل بوده است. تیم با یک بر ضرر و ۲ برد ۲ بر ضرر) البته این تیم ۲ باخت ۴ بر ضرر و ۳ بر صفر را نیز به ترتیب مقابل بابرین مونیخ و مونتشن‌گلادباخ تجربه کرده است. در رقابت‌های این فصل تاکنون تنها تیم‌های وردربرمن و هامبورگ از قرن‌نشینان بوندس لیگا نسبت به هانوفر تعداد گل‌های کمتری به ثمر رسانده‌اند و کلن نیز با تعداد گل زده مشابه با هانوفر در رده یازدهم قرار دارد.

۳-صعودکننده‌هایی قدرتمند

در اکثر فصل‌های بوندس لیگا تیم‌هایی که از رقابت‌های دسته دوم صعود می‌کنند، تنها یک فصل میهمان بوندس لیگا هستند، برای نمونه فصل گذشته تیم آنتراخت براون شوابینگ تنها یک فصل میهمان بوندس لیگا بود اما در این فصل به نظر پادربورن نمی‌خواهد دچار چنین سرنوشتی شود. از این تیم پیش از آغاز رقابت‌های این فصل به‌عنوان یکی از سققوط‌کنندگان یاد می‌شد اما نتایج این تیم باعث شگفتی فوتبال آلمان شده است، این تیم هم‌اکنون با ۱۵ امتیاز همانند کلن دیگر تیم صعودکننده، از حاشیه امنیت خوبی در میانه‌های جدول رده‌بندی برخوردار است.

۴-شرایط پیچیده تیم‌های بزرگ
شرایط شالکه حتی پس از اخراج پتس کلر و جذب روبرتو دی‌متنو آرام‌تر و بهتر نشده است، این تیم باز هم با وجود داشته‌ها و قابلیت‌هایی که دارد از وضعیت مناسبی در بوندس لیگا برخوردار نیست. در حالی که سرنان و هواداران باشگاه از صعود مستقیم به رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا به عنوان خواسته اصلی خود نام برده‌اند، عملکرد آبی‌های پادشاهی در این زمینه بسیار متزلزل بوده است. با وجود نام‌هایی بزرگ همانند هونتلا، بوآتنگ، دراکسلر، مه‌یر، چوپو موتینگ و سام در بخش تهاجمی، این تیم به ریتم خوب و ثبات لازم در فاز تهاجمی خود هرگز نرسیده است و در حال حاضر حتی رده‌ای پایین‌تر از تیم‌های تازه صعودکننده به بوندس لیگا دارد. عملکرد شالکه در این باره با بایرلورکوزن قابل مقایسه است. بازی‌های فاجعه‌بار از شاگردان راجر اشمیت در این فصل چندین بار دیده شده است، برای نمونه بایرلورکوزن در یکی از بازی‌های این فصل در استادیم خانگی خود بازی ۳ بر صفر برده در نیمه اول با تساوی ۳-۳ در پایان بازی تعویض کرد، شاید ارائه چنین بازی نا هماهنگ و بی‌نظمی با هیچ یک از هواداران لورکوزن از خط گذشته نباشد. این تیم هم اکنون با ۱۷ امتیاز از تیم‌های بالاشین بوندس لیگا به حساب می‌آید اما عملکرد این تیم با ایده‌آل هواداران فرستگ‌ها فاصله دارد.